

گستره علم پیامبران و امامان علیهم السلام در پرتو آیات شاهدان اعمال

علی ربانی گلپایگانی^۱

چکیده

خداوند به مؤمنان و صالحان وعده پاداش، و به کافران و تبهکاران وعید کیفر داده است. یکی از روش‌های حکیمانه الهی برای جداسازی مؤمنان و صالحان از کافران و تبهکاران، شهادت شاهدانی والامقام از هر قوم و امتی بر اعمال نیک و بد آنان است. پیامبران، اوصیای آنان و امامان علیهم السلام، مصادیق بارز و شاخص شاهدان بر اعمال می‌باشند. اعمال انسان دو وجه ظاهری و باطنی دارد. قصد و نیت و انگیزه انسان بر عمل خوب یا بد، نقش مهمی در ارزشی، غیر ارزشی یا ضد ارزشی بودن عمل، و در نتیجه در میزان پاداش و کیفر آن دارد. بنابراین، شاهدان اعمال در قیامت، علاوه بر آگاهی از ظواهر اعمال افراد، بر وجه باطنی و درونی آنها نیز آگاهی دارند. بنابراین، از وجه غیبی اعمال انسان‌هایی که شاهد بر اعمال آنان هستند، آگاهند. بدون شک آنان از قابلیت و ظرفیت وجودی ویژه‌ای برخوردارند که به چنین معرفت گسترده‌ای دست یافته‌اند. این ملاک درباره آگاهی آنان از دیگر حقایق غیبی عالم نیز وجود دارد. بنابراین، گستره علم شاهدان اعمال، بسیار وسیع و عمیق است.

واژه‌های کلیدی: شاهدان اعمال، پاداش، کیفر، قیامت، علم غیب، پیامبران، امامان.

مقدمه

بر اساس آیات و روایات و حکم عقل، انسان‌ها در قیامت سزای کارهایی را که در دنیا انجام داده‌اند، خواهند دید؛ به نیکوکاران پاداش داده خواهد شد و بدکارانی که بدون توبه از دنیا رفته‌اند و مشمول شفاعت قرار نگیرند، عقاب خواهند شد. پاداش نیکوکاران مقتضای جود و رحمت بیکران خداوند است، و کیفر بدکاران مقتضای عدل الهی است. از آیات و روایات به دست می‌آید که افراد برجسته و برگزیده‌ای از امت‌ها بر اعمال خوب و بد آنان شهادت خواهند داد و پیامبر اکرم ﷺ شاهد بر شاهدان خواهد بود. در آیه‌ای، امت اسلامی به عنوان امت وسط توصیف شده است تا شاهد بر دیگران باشد. در این آیه نیز رسول اکرم ﷺ شاهد بر امت اسلامی معرفی شده است. در آیه‌ای دیگر بیان شده است که اعمالی که افراد انجام می‌دهند در آینده مورد رؤیت خدا، رسول خدا و مؤمنان واقع خواهد شد. اگر مقصود از رؤیت اعمال، شهادت بر اعمال باشد، این آیه نیز مرتبط با شاهدان اعمال می‌باشد. بررسی این دسته آیات با بهره‌گیری از روش تفسیر قرآن به قرآن و روایات و تحلیل عقلی، برای شناخت شاهدان اعمال در قیامت و گستره علم آنان، موضوع پژوهش در این مقاله است.

۱. آیات شاهدان از هر امت

در چهار آیه از قرآن کریم، با صراحت بیان شده است که در قیامت برای هر امتی شاهدانی از آن امت، بر اعمال آن‌ها گواهی خواهند داد و پیامبر اکرم ﷺ، شاهد شاهدان خواهد بود.

- ﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ (نساء: ۴۱)؛ پس چگونه خواهد بود، هنگامی که از هر امتی، شاهدی [بر اعمال آنان] بیاوریم و تو را شاهد بر شاهدان قرار دهیم.
- ﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤَدُّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ﴾ (نحل: ۸۴)؛ روزی که از هر امتی شاهدی برانگیزیم، آن‌گاه به کافران اجازه سخن و اعتذار داده نشود، و نه توبه و انابه و عذری از آنان پذیرند.
- ﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ﴾ (قصص: ۸۹)؛ روزی که در هر امتی شاهدی از خودشان را برمی‌انگیزیم تا بر آنان شهادت دهد و تو را شاهد بر شاهدان خواهیم آورد.

- ﴿وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ﴾ (قصص: ۷۵)؛ و از هر امتی، شهادی را برمی‌گزینیم و به آنان می‌گوییم برهان خود را اقامه کنید.

از این آیات، نکات مهمی به‌دست می‌آید که در بحث مربوط به گستره علم شاهدان اعمال راهگشا خواهد بود:

۱-۱. شاهد بر اعمال در قیامت از علم جامع و نافذ نسبت به اعمال امتی که بر اعمال آنان شهادت می‌دهد برخوردار است، یعنی اولاً: از کارهایی که آنان در جلوت و خلوت و در حضور او یا در غیبت انجام داده‌اند آگاه است، و ثانیاً: علاوه بر ظاهر اعمال، از حقایق آن‌ها و قصد و نیت عاملان آگاهی دارد، زیرا ملاک پاداش و کیفر بر اعمال، تنها ظاهر اعمال نیست، بلکه حقیقت اعمال که تابع قصد و نیت فاعلان است، نقش تعیین‌کننده‌ای در پاداش و کیفر دارد.

۱-۲. شاهد بر اعمال در قیامت، از عصمت علمی و عملی (قولی) برخوردار است، یعنی در شناخت و تشخیص اعمال دیگران (تحمل شهادت) گرفتار خطا نمی‌شود، و در مقام ادای شهادت نیز سهواً یا عمدتاً از خطای ذهنی و قولی مصون است. دو شرط مزبور بدان جهت است که فلسفه شهادت شاهدان در قیامت آن است که حجت بالغه و عدالت جزایی خداوند بر همگان آشکار گردد. آیه: ﴿وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشَّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (زمر: ۶۹) بر این مطلب دلالت می‌کند. این هدف آن‌گاه تحقق می‌یابد که شاهدان اعمال از دو ویژگی علم و عصمت برخوردار باشند.

۲-۳. واژه شهادت بیان‌گر آن است که منبع و منشأ علم شاهد، مشاهده اعمال «مشهود علیهم» است، نه استدلال عقلی یا شنیدن و نقل از دیگران. بعید نیست که کلمه «مِنْ أَنْفُسِهِمْ» نیز به آن اشعار داشته باشد؛ چنان‌که آیه ﴿وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ (مائده: ۱۱۷) درباره حضرت عیسی عليه السلام نیز بیان‌گر آن می‌باشد، زیرا آن حضرت شاهدبودن بر اعمال امت خود را به زمانی که در میان آنان حضور داشت، مقید کرده است.

۲-۴. مقصود از امتی که فردی از آن امت در قیامت بر اعمال آنان شهادت می‌دهد، جماعتی هستند که در عصر و زمانی خاص زندگی کرده، و شاهد نیز در میان آنان بوده و از اعمال آنان آگاه بوده است. بر این اساس، برای امت اسلامی شاهدان متعددی وجود دارد که هر یک از آنان در زمانی خاص در میان آنان بوده و شاهد اعمالشان می‌باشند. آنان در قیامت بر اعمال امت اسلامی شهادت خواهند داد، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر آنان شهادت خواهد داد (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ۱۲: ۳۲۴).

۱-۵. بدون شک، پیامبر هر قوم و امتی، شاهد بر اعمال آن قوم و امت خواهد بود، ولی از اطلاق شاهد در آیات مزبور به دست می‌آید که شاهد بر اعمال در قیامت به

پیامبران اختصاص ندارد؛ چنان که آیه ﴿وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (زمر: ۶۹) نیز بیان گر همین مطلب است، زیرا ذکر شهدا پس از پیامبران بیان گر این است که آنان غیر از پیامبران می باشند. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيداً﴾ (نساء: ۴۱) فرموده است: این آیه در باره امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است، در هر دوره امامی از ما شاهد بر آنان است و محمد صلی الله علیه و آله و سلم شاهد بر ما است (کلینی، ۱۳۸۸ق، ۱: ۱۹۰؛ عروسی حویزی، ۱۳۸۲، ۱: ۴۸۲). شهادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر امامان اهل بیت علیهم السلام، ذکر یکی از مصادیق است و با شاهد بودن آن حضرت بر پیامبران پیشین منافات ندارد (سبزواری، ۱۴۳۱ق، ۸: ۲۳۷). عنصر محوری روایت مزبور، بیان اهتمام به شئون مسلمانان است، و این مطلب، موجب اختصاص شهادت یادشده نخواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۸: ۷۰۷).

۲-۵. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نه تنها شاهد معاصران زمان خود است، بلکه شاهد همه پیامبران و امت‌های آنان است؛ یعنی شاهد کل امت اسلام- به معنای جامع- است، چون مهیمن بر همه پیامبران است. بر این اساس، سخن مفسرانی که مشا‌الیه «هؤلاء» در ﴿وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيداً﴾ را معاصران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دانسته و شهادت آن حضرت در قیامت را منحصر در افراد معاصر ایشان کرده‌اند (سبزواری، ۱۴۳۱ق، ۲: ۱۱۴؛ رشید رضا، بی تا، ۵: ۱۱۰)، صحیح نیست.

این سخن نیز که پیامبران به دلیل معصوم بودن، مشهود علیهم نیستند- چون جرمی مرتکب نشده‌اند تا علیه آنها شهادت داده شود- صحیح نیست؛ زیرا افزون بر اینکه نامی از معاصران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برده نشده است تا مشا‌الیه «هؤلاء» باشند، شهادت همیشه علیه افراد نیست تا گفته شود شهادت دادن علیه معصوم معنا ندارد، بلکه گاهی شهادت به سود افراد است، از این رو، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در داوری میان پیامبران و امت‌هایشان شهادت می‌دهد که حق با پیامبران بوده است. احاطه علمی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر پیامبران و امت‌های آنان از آیه ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ﴾ (مائده: ۴۸) به دست می‌آید؛ زیرا بر اساس این آیه، قرآن کریم بر کتاب‌های پیامبران دیگر هیمنه و تسلط دارد و از طرفی، قدرت و سیطره هر پیامبری به اندازه قدرت و سیطره کتاب او است. بنابراین اگر قرآن کریم بر تمام کتاب‌های پیامبران گذشته هیمنه و سیطره دارد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هم بر همه امت‌ها و پیامبران گذشته هیمنه و تسلط دارد؛ چنان‌که در زیارت آن حضرت آمده است: «و السابِق فی طاعة رب العالمین و المهیمن علی رسله» (اقبال الأعمال، ۱۴۱۸ق: ۶۰۴). پس وی می‌تواند افزون بر شاهد بودن بر امت‌ها، شاهد بر پیامبران نیز باشد (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۸: ۶۹۷-۶۹۸).

۲. آیه امت وسط

در آیه ۱۴۳ سوره بقره، از امت اسلامی به عنوان امت وسط یاد شده که شاهدان بر مردم می‌باشند، چنان که پیامبر اکرم ﷺ شاهد بر آنان است: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يُكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ (بقره: ۱۴۳). در این باره چند پرسش مطرح می‌شود:

(الف) مقصود از وسط بودن امت اسلامی چیست؟

(ب) معنای شاهد بودن آنان بر مردم چیست و آن مردم چه کسانی هستند؟

(ج) آیا ویژگی مزبور شامل همه افراد امت اسلامی است، یا به عده‌ای از آنان اختصاص دارد؟

اکنون به بررسی مسایل یاد شده می‌پردازیم:

۱-۲. امت نمونه و اسوه

برخی، وسط بودن امت اسلامی را به این معنا دانسته‌اند که نه مانند مشرکان و بت‌پرستان‌اند که صرفاً به امور جسمانی و دنیوی گرایش و اهتمام داشتند، و نه مانند مسیحیان‌اند که اهل رهبانیت بودند و به امور معنوی و اخروی اهتمام داشتند، بلکه به هر دو جانب توجه دارند و طریق اعتدال را می‌پیمایند. بر این اساس، مقصود از شاهد بودن امت اسلامی بر مردم این است که اعتقاد و عمل آنان، الگو برای دیگران است، چنان که پیامبر اکرم ﷺ، الگوی مسلمانان می‌باشد. در نتیجه، درست و نادرست بودن عقیده و عمل دیگران با مقیاس عقیده و عمل امت اسلامی، ارزیابی می‌شود (رشید رضا، بی‌تا، ۲: ۴-۵)!

این تفسیر، در جای خود درست است، ولی بر آیه شریفه منطبق نمی‌باشد، زیرا وسط بودن به معنای این که امت اسلامی بر روش اعتدال باشد و مقیاس اندازه‌گیری عقیده و عمل دیگران به شمار آید، با شهادت یا شاهدبودن بر عقیده، گفتار و رفتار دیگری، تناسبی ندارد؛ مگر آنکه کسی که اسوه و الگو است از ویژگی عصمت برخوردار باشد، اما عموم امت اسلامی این ویژگی را ندارند. مضافاً بر این که شاهد بودن پیامبر ﷺ بر امت اسلامی با معنای مزبور ارتباطی ندارد، یعنی شهادت رسول بر امت، غایت و غرض وسط بودن امت به معنای مزبور نمی‌باشد (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ۱: ۳۲۰). آری، عکس آن صحیح است، یعنی وسط بودن امت به معنای یادشده را می‌توان غایت شاهد بودن پیامبر ﷺ بر اعمال امت دانست.

۱. برخی از مفسران دیگر نیز احتمال اراده این معنا را با بیان گونه‌های دیگر از افراط و تفریط اهل کتاب، یادآور شده‌اند. ر.ک: واحدی نیشابوری، ۱۴۱۵ق، ۱: ۲۲۴-۲۲۵؛ فخر رازی، بی‌تا، ۲: ۹۸.

اگر آیه شریفه به طور مطلق می‌فرمود: «شما را امت وسط قرار دادیم»، قابل تطبیق بر معنای مزبور، یعنی اعتدال میان افراط و تفریط بود. در این معنا، «وسط» با میزان، الگو و نمونه بودن سازگار است، ولی در آیه شریفه افزون بر مشخص بودن دو طرف وسط، «شهادت» محور وساطت قرار گرفته است. از این‌رو مراد از وسط، واسطه در محور عمودی، یعنی بین بالا و پایین است، نه محور افقی و بین افراط و تفریط (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۷: ۳۲۹).

برخی، وسط بودن امت اسلامی به معنای روش اعتدال میان افراط و تفریط را این گونه توجیه کرده‌اند که آنان در باره پیامبران، نه مانند بعضی افراط کردند تا آنها را فرزند خدا بدانند؛ نظیر آنچه در باره حضرت عیسی علیه السلام پنداشته شده، و نه مانند برخی دیگر تفریط کرده‌اند که به قتل آنها اقدام کنند: ﴿يَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ حَقِّ﴾ (آل عمران: ۲۱؛ فخر رازی، بی تا، ۸: ۳۳۲).

این مطلب در حدّ خود صحیح است، ولی محور اصلی آیه مورد بحث نمی‌باشد. علاوه بر این، در امت اسلامی نیز گروهی طغیان‌گر به قتل امامان معصوم علیهم السلام که همتای پیامبران پیشین بودند، اقدام کردند.

حاصل آنکه در میان امت‌ها در هر عصر و نسلی، افراط و تفریط وجود داشته است؛ چنان‌که امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است: «هَلَكَ فِي رَجُلَانِ مُجِبَّ غَالٍ وَ مُبْغِضٍ قَالِ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۷)، هر چند کیفیت افراط‌ها و تفریط‌ها یکسان نبوده است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۸: ۳۳۲).

۲-۲. شهادت بر اعمال

با بهره‌گیری از روش تفسیر قرآن به قرآن که در کلام نورانی امیرالمؤمنین علیه السلام «ینطق بعضه ببعض و یشهد بعضه علی بعض» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳) به آن اشاره شده است، و با توجه به دیگر آیات شهادت بر اعمال در قرآن کریم که در آیات دسته اول (آیات شاهدان اعمال)، بیان شد، به دست می‌آید که مقصود از شاهد بودن امت اسلامی بر دیگران، شهادت بر اعمال است.

مفاد آیات شهادت - چنان‌که بیان گردید- شهادت بر اعمال همه امت‌ها و تبلیغ پیامبران است، زیرا اطلاق شهادت، چنین گستره‌ای را اقتضا دارد. آیه ﴿فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ﴾ (اعراف: ۶) نیز به همین مطلب اشاره دارد. شهادت مزبور اگر چه در آخرت است، ولی تحمل آن در دنیاست، چنان‌که آیه ﴿وَ كُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ﴾ (مائده: ۱۱۷) که حکایت سخن عیسی علیه السلام است، و نیز آیه ﴿وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا﴾ (نساء: ۱۵۹) که مربوط به آن حضرت است، بیان‌گر آن می‌باشد.

واضح است که حواس و قوای حسی انسان تنها می‌تواند صورت ظاهری افعال را آن هم وقتی که حضور حسی داشته باشد، نه پس از مرگ یا در حالت غیبت افراد، درک کند، ولی حقایق اعمال و معانی نفسانی در باب کفر و ایمان و رستگاری و خسران و آن چه از حواس ظاهری انسان، پنهان است، و آن چیزی که قلب انسان آن را کسب می‌کند و روز قیامت مورد محاسبه قرار می‌گیرد ﴿وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ﴾ (بقره: ۲۲۵)، این امور، چیزهایی است که انسان حتی نسبت به افراد حاضر توانایی ادراک و احاطه بر آن‌ها را ندارد، تا چه رسد به افرادی که غایبند؛ مگر آنکه کسی از اولیای خاص خداوند باشد و چنین معرفتی را به او اعطا کنند، مانند حضرت عیسی علیه السلام که به نص قرآن کریم از شاهدان روز قیامت می‌باشد. او بر حقیقت اعمال امتش آگاه بوده است که روز قیامت بر آن‌ها شهادت می‌دهد.

نتیجه توضیحات پیشین این است که مقصود از شهادت در آیه مورد بحث این نیست که امت اسلامی، از حیث عقیده و عمل، امتی نمونه و الگوی دیگران هستند، بلکه معنای شهادت در آیه عبارت است از آگاهی از حقایق اعمال مردم در دنیا از حیث سعادت یا شقاوت، رد و قبول و انقیاد و تمرد، و ادای آن در آخرت؛ روزی که خداوند حتی از اعضای انسان بر او طلب شهادت می‌کند، روزی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقام شکایت از امت می‌گوید: پروردگارا قوم (امت) من، این قرآن را مهجور قرار دادند: ﴿وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾ (فرقان: ۳۰).

۲-۳. افرادی برگزیده از امت اسلامی

روشن است که همه افراد امت اسلامی، چنین مقام و جایگاه رفیعی را ندارند؛ مقام و جایگاهی که مخصوص اولیاء پاک الهی است، کسانی که از اصحاب خاص صراط مستقیم و نعمت داده‌شدگان ویژه خداوند می‌باشند: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾ (نساء: ۶۹).

بنابراین، مراد از این که امت اسلامی شهید (شاهد) بر اعمال دیگران است این است که شاهدان، در میان این امت می‌باشند، همان گونه که مراد از برتری بنی اسرائیل بر جهانیان در آیه: ﴿وَلَقَدْ أَحْرَقْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَيَّ الْعَلَمِينَ﴾ (دخان: ۳۲) این است که این فضیلت در میان آنان بوده است، نه این که هر یک از آنان واجد چنین فضیلتی بودند، و از باب نسبت دادن وصف بعضی به کل است به علاقه این که بعضی، عده‌ای از کل و در میان کل است. پس معنای شهید بودن امت اسلامی این است که در میان آنان کسانی هستند که دارای



این مقام می‌باشند، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز شاهد بر شاهدان می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ۱: ۳۲۴-۳۳۱).

۲-۴. امت وسط و شاهدان اعمال در روایات

درباره این که امت وسط و شاهدان اعمال چه کسانی اند، از امامان اهل بیت علیهم السلام روایات بسیاری نقل شده است:

۱-۲-۴. محدث کلینی از برید عجلی روایت کرده که وی از امام باقر علیه السلام درباره آیه ﴿وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ پرسید. امام علیه السلام فرمود: «نَحْنُ الْأُمَّةُ الْوَسْطُ وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ وَ حُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ»؛ ما امامان، امت وسط و شاهدان خدای تبارک و تعالی بر خلقش و حجت‌های خداوند در زمینش می‌باشیم (کلینی، ۱۳۸۸ق، ۱: ۱۹۱؛ بحرانی، ۱۳۹۳ق، ۱: ۱۵۹، روایت ۲). محمد بن صفار نیز همین روایت را از امام باقر علیه السلام نقل کرده است (بحرانی، ۱۳۹۳ق، ۱: ۱۵۹، روایت ۳ و ۴. نیز ر.ک: عیاشی، بی‌تا، ۱: ۶۲، روایت ۱۱۰).

۲-۴-۲. در حدیثی دیگر، همین مطلب از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است (کلینی، ۱۳۸۸ق، ۱: ۱۹۱؛ بحرانی، ۱۳۹۳ق، ۱: ۱۵۹، روایت ۱).

۳-۴-۲. عیاشی، از ابی عمرو زبیری روایت کرده که امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ...﴾ فرمود: همه اهل قبله مراد نمی‌باشند، آیا کسی که شهادتش بر صاعی از خرما پذیرفته نمی‌شود، خداوند او را بر اعمال دیگران شاهد می‌آورد و شهادتش را در برابر همه امت‌ها می‌پذیرد؟ هرگز خداوند متعال چنین چیزی را اراده نکرده است، بلکه مقصود امتی است که دعای ابراهیم علیه السلام در مورد آنان به اجابت رسیده است [و خداوند درباره آنان فرموده است]: ﴿هُم خَيْرُ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ (آل عمران: ۱۱۰) آنان امت وسط و بهترین امتی هستند که برای مردم آفریده شده‌اند (عیاشی، بی‌تا، ۱: ۶۳، روایت ۱۱۴).

مقصود از دعای ابراهیم علیه السلام، آیه ﴿رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ دُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ﴾ (بقره: ۱۲۸) است. مراد از اسلام در این آیه اسلام ظاهری و همگانی نیست، زیرا این اسلام چیزی نیست که ابراهیم علیه السلام در مقام دعا برای خود و اسماعیل علیه السلام و ذریه‌اش درخواست کرده باشد، بلکه اسلام به معنای تسلیم بودن همه جانبه و پیراسته از هرگونه شرک و ضلالت است که با مقام عصمت همراه است. از طرفی، عموم ذریه ابراهیم علیه السلام (عرب مضر یا خصوص قریش) دارای چنین مقام و جایگاهی نبودند. بنابراین، مقصود از ذریه معصوم ابراهیم علیه السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت پاک آن حضرت می‌باشند. مطلب

علم اسلامی
سال سی و چهارم، شماره صد و سی و چهار

یاد شده، خلاصه و مضمون روایتی از امام صادق علیه السلام در این باره است (عیاشی، بی تا، ج ۱، ص ۶۰-۶۱، روایت ۱۰۱. نیز رک: طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ۱: ۲۹۶-۲۹۷).

۴-۴-۲. در برخی روایات، از امامان اهل بیت علیهم السلام به عنوان شاهدان بر مردم در مسایل مربوط به حلال و حرام یاد شده است: «تَحْنُ الشُّهَدَاءُ عَلَى النَّاسِ بِمَا عِنْدَنَا مِنَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ» (بحرانی، ۱۳۹۳ق، ۱: ۳۴۳؛ صفار قمی، ۱۴۲۵ق، ۱: ۸۲، باب فی الأئمة علیهم السلام أنهم شهداء لله في خلقه بما عندهم من الحلال و الحرام).

۴-۵-۲. در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام امت وسط بودن امامان اهل بیت علیهم السلام به میزان بودن آنان برای تشخیص غالی از مقصر تفسیر شده است: «إِنَّمَا يَزْجَعُ الْغَالِي وَ بِنَا يَلْحَقُ الْمُقْصِرُ» (عیاشی، بی تا، ۱: ۶۳).

روشن است که معانی مزبور با یکدیگر ناسازگار نیستند، زیرا امامان اهل بیت علیهم السلام هم مرجع شناخت احکام الهی اند، و هم میزان تشخیص غالی و مقصر، و هم شاهدان اعمال در روز قیامت و در نتیجه معیار بازشناسی اهل بهشت از اهل دوزخ.

۶-۲. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که در تفسیر آیه ﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾ (نساء: ۶۹)، فرمود: مقصود از صدیقین و شهداء در این آیه ما هستیم، و شما مصداق صالحان می‌باشید» (بحرانی، البرهان، ۱: ۳۹۲، روایت ۲ و ۸).

۷-۲. از امام باقر و امام صادق علیهم السلام روایت شده که در تفسیر آیه ﴿لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ (حج: ۷۸)، فرموده‌اند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله شاهد بر ماست، زیرا شریعت الهی را به ما ابلاغ کرده است، و ما [در روز قیامت] شاهدان بر مردم می‌باشیم» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ۱: ۱۹۰، بَابُ فِي أَنَّ الْأئِمَّةَ شُهَدَاءَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى خَلْقِهِ؛ بحرانی، ۱۳۹۳ق، ۲: ۱۰۵، روایت ۲ و ۳).

۸-۴-۲. سلیم بن قیس از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که فرمود: خدای متعال ما را طاهر و معصوم و شاهدان بر خلقش و حجت خود در زمینش قرار داد، ما را با قرآن و قرآن را با ما قرار داد، نه ما از قرآن جدا می‌شویم و نه قرآن از ما جدا می‌شود (بحرانی، ۱۳۹۳ق، ۲: ۱۰۵، روایت ۴).

۹-۴-۲. در روایت احتجاج امیرالمؤمنین علیه السلام با گروهی از صحابه آمده است که آن حضرت آیه ﴿مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ (حج: ۷۸) را یادآور شده که وقتی این آیه نازل شد، سلمان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید که مقصود از کسانی که بر ملت ابراهیم‌اند و شاهدان بر امت می‌باشند چه کسانی‌اند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: من و برادرم علی و

یازده فرزند علی علیه السلام می باشند و حاضران سخن امام علی علیه السلام را تأیید کردند (بحرانی، ۱۳۹۳ق، ۲: ۱۰۶، روایت ۸).

۳. آیه ﴿فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾

علاوه بر آیات مربوط به شاهدان اعمال که بیان گر آگاهی پیامبران و امامان از اعمال دیگران است، آیه کریمه ﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (توبه: ۱۰۵) نیز بیان گر آن می باشد. اگر چه این آیه متصل به آیاتی است که مخاطب آن ها مؤمنان می باشند، ولی اطلاق آن، غیرمؤمنان را نیز شامل می شود. بنابراین، مفاد آیه این است که خدای متعال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مؤمنان، از اعمال انسان های دیگر، اعم از کافران، منافقان و مؤمنان، آگاه می باشند.

رؤیت در این آیه به معنای شهود است، نه ادراک حسی با قوه بینایی، چون «عمل»- که مفعول آن است- اعم از عمل جوارحی و جوانحی است، و همه باورهای قلبی، انگیزه های درونی، اخلاق و ملکات نفسانی و حرکات بیرونی را فرا می گیرد. افزون بر این، رؤیت عمل جوارحی و بیرونی به معنای ادراک حسی آن، یعنی با قوه بینایی، اولاً: در خداوند محال است، و ثانياً: ویژه پیامبر و مؤمنان نیست. بر این اساس، متعلق رؤیت در آیه مزبور، حقیقت عمل است، نه آثار آن؛ زیرا برخی از آثار عمل را کافران هم می بینند، و به خدا و اولیای الهی اختصاص ندارد. بنابراین، به دلیل اختصاص رؤیت یاد شده در آیه مورد بحث به خدا و اولیای خاص او، باید شهود مذکور در توان کافران و منافقان نباشد. براین اساس، متعلق رؤیت، حقیقت عمل است نه پیامدهای بیرونی آن.

جایگاه رؤیت مذکور در آیه مورد بحث، دنیا است؛ زیرا در قیامت، همه مردم بیننده اعمال خود هستند: ﴿كَذٰلِكَ يُرِيهِمُ اللّٰهُ اَعْمَالَهُمْ حَسْرٰتٍ عَلَيْهِمْ﴾ (بقره: ۱۶۷). در قیامت پرده های مادی نگری و غفلت از چشمشان زوده و دیدگانشان تیزبین و درون نگر می شود: ﴿لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هٰذَا فَكَشَفْنَا عَنْكُمْ غِطَاءَكُمْ فَبَصَرُكُمُ الْيَوْمَ حَدِيدٌ﴾ (ق: ۲۲) و کافر و منافق نیز ریز و درشت کردار خود را می بینند، اما رؤیت یادشده در این آیه، گذشته از اینکه به اعمال خود اختصاص ندارد، ویژه گروهی خاص (مؤمنان خاص و اهل شهود) است.

گواه دیگر بر دنیایی بودن رؤیت در آیه مورد بحث، این است که در پایان آیه، از روزی خبر می دهد که افراد به سوی خدای دانای نهان و عیان بازگردانده می شوند و به کارهایشان آگاهی داده می شوند. بنابراین، رؤیت در آغاز آیه، در برابر علم گزارشی در قیامت است.

علم سنی
سال سی و چهارم، شماره صد و سی و چهار

شاهد دیگر اینکه رؤیت خداوند متعال نسبت به اعمال بندگان، بدون شک بالفعل و هم‌اکنون است، نه بالقوه و در آینده، پس رؤیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و مؤمنان نیز که بر آن عطف شده‌اند، بر پایه اتحاد سیاق، بالفعل و هم‌اکنون است، به‌ویژه که فعل «یری» در معطوف تکرار نشده است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۴، ۳۵: ۲۴۹-۲۵۳).

حاصل آنکه با توجه به این که آگاهی از ظاهر اعمال دیگران، به خدا، پیامبر و مؤمنان اختصاص ندارد، مقصود آگاهی از حقایق اعمال و قصد و نیت عاملان آن‌هاست، که از راه مشاهده حسی یا تفکر عقلی نمی‌توان به آن آگاه شد، بلکه خداوند که از آشکار و نهان آگاه است، آن را می‌داند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از راه وحی الهی به آن واقف می‌شود، و مؤمنانی که از خواص اولیاء می‌باشند، به الهام و عنایت خاص الهی از آن آگاهند. بر اساس روایات اهل بیت عصمت و طهارت، مصداق کامل آنها امامان اهل بیت علیهم السلام می‌باشند. نمونه‌هایی از روایات مربوط به این مطلب را بازمی‌گوییم:

۱-۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «مقصود از «مؤمنون» در آیه ﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾، ائمه اهل بیت علیهم السلام می‌باشند (بحرانی، ۱۳۹۳ق، ۲: ۱۵۷، روایت ۲).

۲-۳. در روایتی از امام باقر علیه السلام و امام رضا علیه السلام آمده است که مقصود از «المؤمنون» در آیه مزبور، علی بن ابی طالب علیه السلام است (همان، روایت ۴ و ۵). وجه انطباق مؤمنون در آیه بر امام علی علیه السلام آن است که او نخستین خلیفه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام امت اسلامی پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد، و اعتقاد به امامت آن حضرت، اعتقاد به دیگر امامان اهل بیت علیهم السلام را در پی دارد.

۳-۳. در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام، مؤمنون در آیه شریفه، به کسانی که امین (دین و دنیای مردم) می‌باشند، تعبیر شده که مصداق کاملش، امامان اهل بیت علیهم السلام می‌باشند (همان، روایت ۷).

۴-۳. برید عجلی گفته است: از امام صادق علیه السلام درباره مقصود از مؤمنان در آیه ﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾ پرسیدم، امام علیه السلام فرمود: مقصود ما هستیم: «ایانا عنی» (همان، ص ۱۵۸، روایت ۱۶).

۵-۳. امام صادق علیه السلام در پاسخ ابوبصیر که از مؤمنون در آیه مورد بحث سؤال کرد، فرمود: چه کسی غیر از صاحب (امام) شما مقصود است؟ (همان، روایت ۱۸).

۶-۳. عبدالله بن ابان گفته است: به امام رضا علیه السلام عرض کردم، عده‌ای از شیعیان شما از من خواسته‌اند که از شما بخواهم برایشان دعا کنی. امام علیه السلام فرمود: به خدا سوگند من هر روز اعمال شما را به خدا عرضه می‌دارم (یعنی از اعمال شما آگاهم، و از خداوند برای شما طلب بخشش می‌کنم) (همان، روایت ۲۱).

۳-۷. یعقوب بن شعیب از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: مؤمنون در این آیه، امامان پاک علیهم السلام می‌باشند (همان، ص ۱۵۹، روایت ۲۳).

۳-۸. داود بن کثیر رقی گفته است: نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم. بدون این که من سخنی بگویم، امام علیه السلام فرمود: اعمال شما روز پنجشنبه بر من عرضه شد، و دیدم که تو نسبت به فلان پسر عمویت صله رحم کرده ای. از این جهت خوشحال شدم و دانستم که صله رحم تو نسبت به او، مرگ او را جلو خواهد انداخت. داود گوید من پسر عمویی داشتم که ناصبی و خبیث بود. خبردار شدم که وضع زندگی‌اش نابسامان است. قبل از آن که به مکه بیایم به او کمک کردم. آن گاه که به مدینه بازگشتم، امام علیه السلام آن مطلب را به من فرمود (همان، روایت ۲۶).

۳-۹. به نقل عیاشی، محمد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق علیه السلام پرسید: آیا اعمال مردم بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرضه می‌شود؟ امام علیه السلام فرمود: در این مطلب شکی نیست، سپس آیه ﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾ را تلاوت کرد، آن گاه فرمود: خداوند در زمین شاهدانی دارد (همان، روایت ۲۷).

۳-۱۰. از امام صادق علیه السلام روایت شده که روز قیامت، خلائق بر امیرالمؤمنین علیه السلام عرضه می‌شوند، هر کس را که او تأیید کند، داخل بهشت می‌شود، و هر کس را که انکار کند، داخل دوزخ خواهد شد و گواه آن از قرآن کریم آیه ﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾ است که مقصود از مؤمنون، علی بن ابی طالب علیه السلام می‌باشد (همان، ص ۱۵۹-۱۶۰، روایت ۲۹ و ۳۴).

نتیجه

اگرچه آیات سه‌گانه‌ای که بیان شد مربوط به اعمال انسان‌ها است و بیان‌گر علم گسترده شاهدان اعمال (پیامبران و امامان) در این خصوص می‌باشد، ولی مناط و ملاک آن، علم به حقایق غیبی را شامل می‌شود، زیرا باطن اعمال انسان‌ها از مقوله غیب است؛ چراکه غیب، چیزی است که متعلق ادراکات حسی نمی‌باشد، حال اگر هیچگاه متعلق ادراک حسی واقع نشود، یعنی از امور محسوس نباشد، غیب مطلق است و اگر از محسوسات باشد اما متعلق ادراک حسی واقع نشود، غیب نسبی می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ۷: ۱۲۵-۱۲۶). بنابراین اگر انسان به چیزی که متعلق ادراک حسی نیست، علم داشته باشد، علم او مصداق علم غیب خواهد بود. بنابراین شاهدان اعمال از مرتبه و ظرفیت وجودی ویژه‌ای برخوردارند که از باطن اعمال انسان‌ها آگاهند، چنان که از ظاهر اعمال آنان، حتی اعمالی که متعلق ادراک حسی آنها نبوده است، آگاه می‌باشند، یعنی از ویژگی علم به غیب بهره‌مندند. از آن جا که امساک فیض و جود، با فرض وجود ظرفیت و

قابلیت آن، در خداوند منان راه ندارد، شاهدان اعمال، در پرتو فیض و جود الهی از حقایق غیبی عالم آگاه می‌باشند. البته ممکن است فعلیت یافتن آگاهی آنان به حقایق غیبی عالم وابسته به مشیت و اراده آنان باشد، یعنی اراده و خواست آنها علت اعدادی فعلیت یافتن علم آنان است. این مطلب در روایات مربوط به چگونگی علم امامان اهل بیت علیهم‌السلام بیان شده است. مفاد آن روایات این است که اگر امام دانستن چیزی را اراده کند، علم او به آن چیز تحقق خواهد یافت (کلینی، ۱۳۸۸ق، ۱: ۲۰۱).



فهرست منابع

۱. بلاغی، محمدجواد، بی تا، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم، مکتبه الوجدانی.
۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، *تسنیم*؛ تفسیر قرآن کریم، ج ۷، قم، اسراء.
۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، *تسنیم*؛ تفسیر قرآن کریم، ج ۸، قم، اسراء.
۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، *تسنیم*؛ تفسیر قرآن کریم، ج ۱۸، قم، اسراء.
۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۴، *تسنیم*؛ تفسیر قرآن کریم، ج ۳۵، قم، اسراء.
۶. بحرانی، سید هاشم، ۱۳۹۳ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، دار الکتب العلمیه.
۷. رشید رضا، سید محمد، بی تا، *تفسیر المنار*، دار المعرفه، بیروت.
۸. سید بن طاووس، علی بن موسی بن طاووس، ۱۴۱۸ق، *اقبال الأعمال*، قم، مؤسسه دار الحجة للثقافة.
۹. سید رضی، محمد بن الحسین، ۱۳۹۶، *نهج البلاغه*، قم، نشر امام علی علیه السلام.
۱۰. صفار قمی، محمد بن الحسن، ۱۴۲۵ق، *بصائر الدرجات*، بیروت، مؤسسه النعمان.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۹۳ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۲. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۳۸۲، *نور الثقلین*، قم، دار التفسیر.
۱۳. عیاشی، محمد بن مسعود، بی تا، *التفسیر*، تهران، المکتبه الاسلامیه.
۱۴. فخر رازی، محمد بن عمر، بی تا، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ق، *الکافی*، تهران، المکتبه الاسلامیه.
۱۶. سبزواری، سید عبدالأعلی، ۱۴۳۱ق، *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم، منشورات دار التفسیر.
۱۷. واحدی نیشابوری، علی بن احمد، ۱۴۱۵ق، *الوسیط فی تفسیر القرآن المجید*، بیروت، دار الکتب العلمیه.